

## إضاءة

### من جهاد المسلمين مع رسول الله ﷺ

#### روشنگری

#### از جهاد مسلمانان همراه با رسول خدا ﷺ

في مكة كان رسول الله ﷺ وأصحابه يجاهدون بالكلمة والموعظة الحسنة

رسول خدا ﷺ و یارانش در مکه با کلام و اندرز نیکو مجاهدت می کردند:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ (1).

((مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن؛ زیرا پروردگار تو به کسانی که از راه او منحرف شده‌اند آگاه‌تر و به هدایت‌یافتگان داناتر است)) (۲).

فلما واجههم أهل مكة بالأذى والسجن والتعذيب بدأوا يهاجرون من مكة أولاً إلى الحبشة، ثم إلى المدينة المنورة يثرب بعدما لقي ما لقي رسول الله ﷺ في مكة والطائف.

هنگامی که اهل مکه با آزار و اذیت زندانی کردن و شکنجه دادن با آنها رویارو شدند، ابتدا شروع به مهاجرت به حبشه نمودند، و سپس، پس از آنکه رسول خدا ﷺ آن آزار و اذیت‌ها را در مکه و طائف دید، به مدینه‌ی منوره یا یثرب مهاجرت نمودند.

1- النحل: 125.

2- نحل: ۱۲۵.

وفي المدينة بدأ رسول الله ﷺ يعد العدة للجهاد ولإعلاء كلمة الله سبحانه، وكانت معركة بدر الكبرى، قال تعالى:

رسول خدا ﷺ در مدینه شروع به زمینه‌سازی برای جهاد و برافراشتن کلمه‌ی الله سبحانه نمود؛ و جنگ بزرگ بدر اتفاق افتاد. حق تعالی می‌فرماید:

﴿وَإِذْ يَعِدُّكُمْ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ﴾ (3).

((و (به یاد آر) آن هنگام را که خداوند به شما یکی از آن دو گروه را وعده می‌داد که به دست شما افتد و شما دوست می‌داشتید که آن گروه که عاری از قدرت است، به دست شما افتد، حال آنکه خدا می‌خواست با سخنان خویش حق را ثابت و کافران را ریشه کن کند)) (۴).

وكان لهذا النصر أثر عظيم في نفوس المسلمين، فلم يكن نصراً عسكرياً فحسب بل كان آية من آيات الله ، ولمسوا فيه يد الغيب الإلهي وهي توقع الهزيمة في صفوف مشركي مكة.

و این پیروزی، اثری عظیم در روحیه‌ی مسلمانان داشت، و تنها یک پیروزی نظامی محسوب نمی‌شد بلکه آیه و نشانه‌ای از آیات خداوند بود، و در آن دست غیب الهی را که همان انتظار شکست در صفوف مشکرین مکه بود، لمس کردند.

ثم جاءت معركة أحد وفيها ما فيها، هزيمة للمسلمين كان سببها الدنيا وزخرفها لما طلب جماعة من المسلمين الغنائم وتركوا مواقعهم، وفيها كسرت رباعية رسول الله ﷺ وتركه المسلمون في ساحة المعركة وفروا إلا قلة منهم وقوه بأنفسهم، وفيها نصر من الله للمسلمين لما قذف في قلوب المشركين الرعب بعد أن قرروا استئصال المسلمين، حيث سمع المشركون أن رسول الله والمسلمين قرروا مواجهتهم مستميتين ، فانكسرت شوكة المشركين ، وامتلات قلوبهم رعباً وعادوا خائبين.

سپس معركة‌ی احد پیش آمد و در آن، آنچه اتفاق افتاد، اتفاق افتاد؛ شکستی برای

3- الانفال: 7.

4- انفال: 7.

مسلمانان، که علتش دنیا و زینت‌هایش بود؛ آن هنگام که عده‌ای از مسلمانان خواستار غنیمت‌ها شدند و پست‌هایشان را ترک کردند؛ و در آن نبرد، دندان‌های رباعی (دندان‌های پیشین) رسول خدا ﷺ شکست و مسلمانان وی را در میدان جنگ تنها و پا به فرار گذاشتند به جز عده‌ای اندک از آنها که با جان خود حضرت را محفوظ داشتند. در آن پیکار، یاری و نصرتی از سوی خداوند برای مسلمانان بود؛ پس از اینکه مشرکان تصمیم به ریشه کن کردن مسلمانان گرفتند، خداوند رعب و ترس در دل‌هایشان افکند؛ زیرا مشرکان شنیدند که رسول خدا ﷺ و مسلمانان با از جان گذشتگی تصمیم به رویارویی با آنها گرفته‌اند؛ پس شوکت مشرکان در هم شکست و قلب‌هایشان لبریز از ترس شد و نا امید و سرافکنده بازگشتند.

ثم كانت معركة الخندق وفيها برز الإسلام كله للكفر كله، لما قتل أمير المؤمنين علي ع عمرو بن ود العامري، وفيها جنود الله سبحانه وتعالى من الملائكة هم الذين يوقعون الهزيمة في صفوف المشركين بعد أن أوقعوا الوهن في نفوسهم لما ملؤوها رعباً، قال تعالى:

سپس کارزار خندق پیش آمد، و هنگامی که امیرالمؤمنین علی ع عمرو بن ود عامری را به قتل رساند، در آن، تمام اسلام در برابر تمام کفر قد علم کرد؛ و در آن، سربازان خداوند سبحان و متعال از ملائکه حاضر بودند، که با پر کردن رعب و وحشت در جان‌های مشرکان، پس از آنکه سستی را در نهادشان افکندند، باعث ایجاد شکست و ناکامی در صفوف‌شان شدند. حق تعالی می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴾ (5).

((ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا بر خود را به یاد آرید، آن هنگام که لشکرها بر شما تاخت آوردند؛ پس ما باد و لشکرهایی را که نمی‌دیدید بر آنها فرستادیم و خدا به آنچه انجام می‌دهید بینا است)) (۶).

أما معركة حنين فهي خير دليل على أن الكثرة لا تغني شيئاً، إنما النصر من عند الله، فسبحانه وتعالى نصر المؤمنين في بدر وهم قلة ولم تغن كثرتهم عنهم شيئاً في حنين حتى أيدهم الله بنصره

اما جنگ حنین بهترین دلیل است بر اینکه بسیار بودن نفرات چیزی را ثابت نمی کند؛ پیروزی فقط از جانب خداوند است؛ پس او سبحان و متعال مؤمنان را در بدر با وجود کم بودن نفراتشان، یاری داد و پیروز گرداند، در حالی که بسیار بودنشان در حنین چیزی برایشان به ارمغان نیاورد تا آنکه خداوند یاری و پیروزشان نمود:

﴿ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ﴾ (7).

((آنگاه خدا آرامش خویش را بر فرستاده اش و بر مؤمنان نازل کرد و لشکریانی که آنها را نمی دیدید فرو فرستاد و آنان که کفر می ورزیدند را عذاب نمود، و این سزای کافران بود)) (8).

والنتيجة قال تعالى: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (9).

و نتیجه اینکه حق تعالی می فرماید: ((جنگ بر شما مقرر شد، در حالی که آن را ناخوش می داشتید، و چه بسا چیزی را ناخوش بدارید در حالی که در آن خیر شما باشد و چیزی را دوست داشته باشید در حالی که برایتان ناپسند افتد؛ در حالی که خدا می داند و شما نمی دانید)) (10).

هذا أمر من الله سبحانه وتعالى بالجهاد الهجومي والدفاعي، فكما قال تعالى :

این فرمانی از طرف خداوند سبحان و متعال در خصوص جهاد تهاجمی و جهاد تدافعی است؛ همان طور که حق تعالی می فرماید:

7- التوبة: 26.

8- توبه: 26.

9- البقرة: 216.

10- بقره: 216.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴾ (11)، قال أيضاً: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ ..﴾.

((ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه داشتن بر شما مقرر شد، همچنان که بر کسانی که پیش از شما بوده‌اند مقرر شده بود، تا پرهیزگار شوید)) (۱۲) به همین صورت نیز می‌فرماید: ((جنگ بر شما مقرر شد...)).

و كما أن المسلمين يجب عليهم الصيام إذا حضر وقته وتمت شروطه، ويجب عليهم الحج إذا حضر وقته وتمت شروطه، وإلا فإن المتخلف عن أداء الصيام والحج وهو مستطيع يعاقب بنار جهنم وساءت مصيراً، كذلك فإن الجهاد إذا حضر وقته وتمت شروطه وجب، ومن يتخلف عنه فإنه كتارك الصلاة والصوم والحج فتكون عاقبته إلى جهنم وساءت مصيراً.

به همان صورت که اگر وقت روزه فرا رسد و شرایطش مهیا گردد، روزه بر مسلمانان واجب می‌شود، و همچنین حج نیز اگر وقتش فرا رسد و شرایطش مهیا گردد، بر آنها واجب می‌شود، که در غیر این صورت، کسی که با داشتن شرایط حج و روزه و توانایی به انجام رسانیدن آنها، سرپیچی کند، با آتش جهنم مجازات می‌شود و چه بد سرانجامی است، جهاد نیز اینچنین است؛ یعنی اگر وقت آن فرا رسد و شرایطش مهیا گردد، واجب می‌شود، و هر کس از آن سرپیچی کند همانند کسی است که نماز و روزه و حج را ترک گفته باشد و عاقبتش جهنم است و چه بد سرانجامی دارد.

ويبقى أن الجهاد كتب وهو كره لكم فليس هيناً أن يبيع الإنسان نفسه؛ ولذا كان هذا البيع لله سبحانه وكان الثمن الجنة:

می‌ماند اینکه جهاد بر شما واجب شد در حالی که برای شما ناپسند می‌نمود؛ آسان نیست که انسان جان خود را بفروشد، و از همین رو این فروختن برای خداوند سبحان است و بهایش بهشت می‌باشد:

﴿ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَاً عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ

11- البقرة: 183.

12- بقره: 183.

أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٣﴾

((خداوند از مؤمنان جان‌ها و مال‌هایشان را خریده است، به اینکه بهشت از آن آنان باشد. در راه خدا پیکار می‌کنند، چه بکشند و چه کشته شوند. وعده‌ای که خداوند در تورات، انجیل و قرآن داده، به حق بر عهده‌ی او است، و چه کسی از خداوند به عهد خود وفادارتر است؟ به این معامله‌ای که کرده‌اید شما را بشارت باد که این، همان سعادت و کامیابی بزرگ است)) (۱۴).

فسبحان الذي جعل الجهاد امتحاناً يميز به الخبيث من الطيب،  
والصالح من الطالح والصادق من الكاذب، قال تعالى:

پس پاک و منزّه است آن که جهاد را آزمونی قرار داد تا ناپاک از پاکیزه، درست‌کردار از بدکردار، و راست‌گو از دروغ‌گو جدا گردد. حق تعالی می‌فرماید:

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ  
الصَّابِرِينَ﴾ (15)،

وَكذلك ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا  
مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (16).

((آیا پنداشته‌اید به بهشت وارد می‌شوید؟! و حال آنکه هنوز خداوند معلوم نکرده است از میان شما چه کسانی جهاد کرده‌اند و چه کسانی پایداری می‌ورزند؟)) (۱۷).

همچنین: ((آیا پنداشته‌اید شما به حال خود رها می‌شوید، بی آنکه خدا کسانی از شما را که جهاد می‌کنند و جز خدا و پیامبرش و مؤمنان را به هم‌رازی نمی‌گزینند، معلوم بدارد؟! در حالی که خداوند به آنچه می‌کنید آگاه

13- التوبة: 111.

۱۴- توبه: ۱۱۱.

15- ال عمران: 142.

16- التوبة: 16.

۱۷- آل عمران: ۱۴۲.

وفي النهاية يجب أن يعلم المؤمنون أن النتيجة الحتمية للجهاد هي النصر على النفس والشيطان وزخرف الدنيا والهوى وخروج من الظلمات الى النور، وهي نتيجة عظيمة وكافية سواء رافقها النصر المادي في ساحة المعركة أم لا

و در نهایت، مؤمنان باید بدانند که نتیجه‌ی حتمی جهاد، پیروز شدن بر نفس، شیطان، زینت‌های دنیا، هوا و هوس، و خروج از تاریکی‌ها به سوی نور است، و این، نتیجه‌ای است بس سترگ و کافی؛ چه با پیروزی مادی در آوردگاه نبرد همراه باشد و چه نباشد:

﴿فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (19).

((پس آنان که زندگی دنیا را فروخته و آخرت را خریده‌اند باید در راه خدا پیکار کنند و هر کس در راه خدا بجنگد، چه کشته شود و چه پیروز گردد، به زودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد)) (۲۰).

وتبقى هناك تساؤلات تنتظر الإجابة أو زيادة توضيح:

- فمع من يكون الجهاد الذي يريده الله؟
- وكيف يعرف صاحب الجهاد المرضي عند الله؟
- وما علاقة الحضارة المادية بالجهاد؟
- وما علاقة الحضارة الاخلاقية بالجهاد؟
- وما علاقة الحضارة الاخلاقية بالحضارة المادية؟
- وما علاقة الحضارة المادية بالتكامل الروحي للإنسان؟

پرسش‌های دیگری باقی می‌مانند که نیاز به پاسخ یا توضیح بیش‌تر دارند:  
- جهادی که مورد خواست و رضایت خداوند است باید همراه با چه کسی باشد؟  
- صاحب جهاد مورد رضای خداوند، چگونه شناخته می‌شود؟  
- رابطه‌ی تمدن مادی با جهاد چیست؟

- رابطه تمدن اخلاقی با جهاد چیست؟
- رابطه‌ی تمدن اخلاقی با تمدن مادی چیست؟
- و رابطه‌ی تمدن مادی با تکامل روحی انسان چیست؟

\* \* \*



